

واکنش یا احساسی که باید در آن لحظه کاراکتر داشته باشد. **دو بازیگر جوان در این اثر نقش برادر و خواهر کوچکتر شما را بازی می کنند از تعاملی که با هم داشتید بگوئید.**

حقیقت این است که این دو بازیگر جوان و کلا همه بازیگران این کار بسیار سخت کوش بودند و تئاتر برایشان بسیار مهم بود. با توجه به اینکه ما تمرینات طولانی مدتی نداشتیم یعنی در حدود چهل و هفت روز پیوسته تمرین داشتیم و این سخت کوشی و دغدغه مندی امروز جواب داده و روند نمایش خیلی خوب پیش می رود. من هم به شخصه خیلی تلاش کردم که گاهی مثل یک معلم تجربیاتم را هر چند که ناچیز از صحنه، اجرا، از اینکه اگر شبی تماشاگر کم بود یا نمی خندید با آنها در میان بگذارم، آنچه که یاد گرفته بودم را با آنها تقسیم کردم و کارهایی که خودم روی نقش انجام می دادم را به آنها می گفتم. گاهی به بازی شان دقت می کردم و اگر پیشنهادهای داشتم به آنها می گفتم و تمام سعی ام را کردم که این تعامل بین مان وجود داشته باشد. البته سخت کوشی خودشان و اینکه افرادی بودند که گاردی در برابر پذیرفتن نظر و پیشنهاد نداشتند به این مسئله کمک می کرد. فکر می کنم که نتیجه همه این مسائل بر روان بودن بازی ها که به شخصه در بسیاری از صحنه ها حس می کنم تاثیر بسزایی داشته است.

### سخن پایانی

این روزها اخباری می شنویم که من عمیقاً بابت آن ناراحت هستم یک سری افراد می آیند و تئاتر را به سمت ابتذال می برند. امیدوارم همه افراد باسواد بیایند و دست به دست هم تلاش کنیم تا این سطح سلیقه مخاطب را که به این شکل تنزل پیدا می کند ارتقا دهیم چرا که این اتفاقاتی که امروز می افتد می تواند تئاتر را به ورطه نابودی بکشاند. فارغ از اینکه مخاطب این نوع نگاه تلخ و این شکل فرمالیستی را بیسند یا نه «ما هم مرده بودیم» نمایشی است که تلاش کرده تا به مخاطب احترام بگذارد. از دکور، لباس، بازی ها و آکسسواری که استفاده شده تا موسیقی و کارگردانی و خوشحالم که روزنامه صبا از این آثار حمایت می کند.

### المیرا صارمی:

#### کاراکتر مادر بسیار چالش برانگیز بود

این نمایش به صورت اپیزودهای صورت پازل گونه است و توالی زمانی و حسی را دنبال نمی کنند از تاثیر این مسئله روی بازیگران بگوئید.

برای شخص من بسیار چالش برانگیز بود و در طول تمرینات بیشتر از باقی دوستان دچار چالش شدم. اکثر آثاری که تاکنون در آن حضور داشتم آثار رئال بودند و یک پیوستگی از ابتدا تا انتهای اثر وجود داشت و فقط یک اثر مطلقاً سوررئال را تجربه کرده بودم. این اثر بین رئال و سوررئال بود و این برای من بسیار سخت بود و در میزان سنن های خطی که داشتیم ناخود آگاه حسم آراکلیک می شد و از آن حالت رئال خارج می شدم یعنی ناخود آگاه لحنم به سمت لحن پرطمطراق می رفت و به صورت غیر روان صحبت می کردم و این تاثیر میزانشن ها روی من بود ولی به تدریج که با میزانشن ها راحت تر شدم سعی کردم تا آن حالت رئال دوباره جا بیفتد.

**مادر دچار تکرارهایی است که در شخصیت پر دازی اش به وضوح دیده می شود و شبیه یک الگوی کهن از مادران ایرانی است.**

شاید یک سری از ویژگی ها در مادران به شکل یکسان وجود داشته باشد و متن نیز به همین ترتیب بود و کدهایی که متن به من می داد هم غیر از این نبود که بتوان به شکل دیگری آن را بازی کرد. این مادر با جنگ و دندان می خواست همان حداقل های زندگی را حفظ کند یا اینکه به کوچک ترین مسائل دلخوش باشد ولی در این مسئله با تضادی در فرزندانش مواجه می شد، فرزندان واقع بین تر بودند و شرایط زندگی را درست تر می دیدند و مادر با همان ویژگی مهر بانانه و فداکارانه فقط تلاش می کرد با همان حداقل ها زندگی را پیش ببرد و نجات بدهد و در نهایت هم چندان موفق نشد.

### از تجربه کار با آقای ملکی بگوئید.

من از طریق آقای یگانه به این کار معرفی شدم. وقتی با آقای ملکی و رزومه ایشان آشنا شدم و سبک کاری شان را دیدم متوجه شدم که بر کار خود اشراف دارند و واقف هستند به اینکه چه می خواهند و چه کار می خواهند بکنند. ایشان همچنان به بسیاری از المان های تئاتر که شاید امروز روبرو فراموشی می روند پایبند هستند و این جای خوشحالی داشته و دارد.

شما در لهستان یا اتریش اجرا کنید با آن سالن ها و دکورهای عظیمی که برای نمایش استفاده می شود می توانید موسیقی کار را به سمت موسیقی ملودیک بکشانید ولی با توجه به سالن های ما و دکورهایی که با هزینه اندک ساخته می شوند موسیقی اینجا باید به محیط حجم دهد تا اثر جان بیشتری بگیرد. این کار نیازمند این است که شما ساختار تئاتری طراحی نور، دکور و لباس را بشناسید که بتوانید از پیش بر بیاید و این جدای از سواد موسیقی شماست.

**با توجه به نظریات تیوال می بینیم که اکثر مخاطبان نسبت به موسیقی که شما اجرا می کنید واکنش مثبتی داشتند و مورد تحسین قرار گرفته با این اوصاف موزیسین های زیادی مانند شما نیستند که با تئاتر همکاری کنند علت این قضیه را چه می دانید؟**

هر موزیسینی از یک جایی به بعد وقتی که کار کرده و شناخته می شود وارد دنیای سینما می شود. ما آهنگسازان بسیار خوبی در زمینه تئاتر داشتیم که همه بعد از مدتی تئاتر را سکوپی برای رفتن به سینما دیدند. من هم در طول دوره کاری ام کار سریال و سینما انجام داده ام و در فاصله بین آثار نمایشی به آنها می پردازم اما واقعیت این است که سفت و سخت روی تعصب تئاتری ام باقی مانده ام. چندین سال پیش وقتی خیلی جوان تر بودم در مصاحبه ای گفتم که می خواهم پدر موسیقی تئاتر ایران شوم ولی این حرفم به این معنی نبود که می خواهم خودنمایی کنم، منظورم این بود که آنقدر این حیطه را دوست دارم که سفت و سخت می خواهم به فعالیت در آن ادامه دهم اکثر کسانی که موسیقی دراماتیک کار می کنند پس از مدتی فعالیت سریع به سمت سینما کشیده می شوند و اکثر هم به علت مسائل مالی است ولی من به شخصه ترجیح میدم که در تئاتر بمانم و همه سختی هایش رو نیز به جام می خرم هر چند که برایم بسیار راحت است که کار سینمایی بگیرم، اسمم نیز بیشتر شناخته می شود و دستمزد بالاتری هم دارد.

### سخن پایانی

با توجه به اینکه تئاترهای زیادی می بینم و به موسیقی آنها توجه می کنم متوجه ضعف عمیقی در زمینه موسیقی تئاتر شدم که به نظر من آسیب زیادی می زند. فکر می کنم که در جامعه موسیقی یک نوع رقابت فرسایشی وجود دارد که آسیب زا و غم انگیز است. متأسفانه این دوستان زمانی که می خواهند از عرصه موسیقی به موسیقی تئاتر ورود کنند حاضر نیستند به افرادی که سال هاست در این زمینه فعالیت می کنند و مسلط هستند به موسیقی تئاتر رجوع کنند تا بتوانند مسلط تر به امر موسیقی تئاتر بپردازند و این مسئله به مرور زمان باعث می شود که سلیقه مخاطب در زمینه موسیقی تئاتر بهم بریزد و دچار اعوجاج شود و حتی سلیقه کارگردانان نیز به شکل منفی تحت تاثیر قرار می گیرد. در این حیطه خواهش من از جامعه موسیقی این است که اگر می خواهند وارد حیطه موسیقی تئاتر شوند لطفاً کمی روی این مقوله مطالعه کنند و وقت بگذارند.

### مهدی یگانه:

#### این نمایش به مخاطب احترام می گذارد

**باز یک درام اجتماعی و خانوادگی و مهدی یگانه با این تفاوت که این نقش از نقشتان در «کشتی نوح» بسیار متفاوت است لطفاً در این مورد بگوئید.**

تمرینات این کار همزمان با تمرینات «کشتی نوح» بود من پس از اجرا در نوفل به تمرینات این کار می رسیدم و تجربه عجیب و سختی بود. از طرفی این را موهبتی از سوی خدا می دیدم که آنجا می توانستم کاراکتری را بازی کنم که حرف نمی زند و در این اجرا باید کاراکتری را اجرا می کردم که ریتم و تمپوی همه کار در دستش باشد، تند حرف بزند، داد بزند و عصبانی شود. حقیقتش این است که در زمینه بازیگری نمی توانم بگویم که از این روش یا آن سیستم استفاده می کنم و این سیستمها برایم خیلی شخصی شده، من برای رسیدن به کاراکتر بیش از آنکه تمرین کنم، فکر می کنم. گاهی به خودم می آیم می بینم چهل دقیقه است که مشغول فکر کردن به کاراکترم هستم و احساس می کنم این فکر کردن به کاراکتر تفاوت هایی که به آن اشاره کردید را به وجود می آورد. زمانی که به کاراکتر فکر می کنم احساس می کنم خود کاراکتر ویژگی هایش را در وجود من نهادینه می کند. رفتارها، آرزوها، دغدغه ها و فکرهایش انگار به من تزریق یا تلقین می شود هر چه جلوتر می روم این فکر کردن بیشتر به جزئیات معطوف می شود یعنی در هر مرحله به مسائل جزئی تری فکر می کنم مثل یک

است ولی ما نباید آنچه که او حدس می زند را برایش اجرا کنیم بلکه باید او را چه از لحاظ بصری، چه تحلیلی و داستانی سورپرایز کنیم.

### علی سینارضانی:

#### سفت و سخت روی تعصب تئاتری ام باقی مانده ام

**موسیقی تئاتر به شکل زنده چه چالش هایی دارد و موزیسینی که می خواهد به این شیوه در تئاتر همکاری کند باید چه کارهایی انجام بدهد؟**

خوب ما در سینما دستمان برای اجرا خیلی بازتر است. هم از لحاظ لول کردن صدای موسیقی و هم تنظیم ولوم موسیقی با صدای بازیگر. یک آهنگساز موفق الزام نمی تواند یک آهنگساز خوب در عرصه سینما و تئاتر هم باشد چرا که شناخت موسیقی دراماتیک خودش داستان دیگر بست و شما باید موسیقی تصویری را بشناسید و از کارگردانی و میزانشن شناخت داشته باشید. متأسفانه یکی از ضعف های ما در ایران این است که این رشته را به صورت آکادمیک نداریم یعنی آهنگسازی و نوازندگی داریم ولی موسیقی سینما و تئاتر نداریم. نمونه هایی از آهنگسازان قوی و قدر می بینیم که وارد سینما و تئاتر شدند اما موسیقی شان واقعا جذاب نبوده و صرفاً یک قطعه موسیقی فاخر اجرا کردند و زمانی که عمیقاً می خواهیم موسیقی را با تصویر آنالیز کنیم روی اثر نمی نشینند و صرفاً یک قطعه فاخر است. از سوی دیگر در سینما می توانیم موسیقی را فید کنیم یا اینکه ولوم موسیقی را پایین بیاوریم که صدای بازیگر به خوبی شنیده شود و تمام این هماهنگی ها و طراحی صدای یا صداگذاری در سینما بسیار آسان تر است اما در تئاتر اینکه چگونه باندها را قرار دهید یا تولید صدا به چه شکل باشد که حالت استاندارد داشته باشد به گونه ای که شما حس کنید دارید یک فیلم می بینید یکی از بزرگترین چالش های لایو تئاتر است. یعنی همان مسئله اجرا به صورت زنده چرا که ما در سالن های تئاتر با مشکلات سیستم صوتی روبرو هستیم با اینکه سالن ایرانشهر در این زمینه یکی از بهترین هاست است و آقای عزیز اکبری مسئول این بخش فوق العاده مسلط و بسیار دلسوز هستند و در این سالن می توانیم راحت تر و قوی تر به بحث موسیقی بپردازیم ولی باز هم این چالش وجود دارد.

**چالشی که در روند رسیدن به موسیقی یک نمایش با آن روبرو هستید چیست؟**

یک مشکل بزرگی که وجود دارد این است که کارگردان ها در طول دوران تحصیل با مباحثی مثل نور، لباس، دکور و این المان های صحنه آشنا می شوند اما مباحث موسیقی کمی متفاوت است و صرفاً با چند واحد گذراندن نمی توانید به مقوله موسیقی مسلط شوید. به همین دلیل معمولاً در زمینه موسیقی تئاتر کارگردان ها خیلی سلیقه ای عمل می کنند. متأسفانه در ایران با اینکه در بسیاری مواقع آهنگساز کار خود را درست انجام داده کارگردان ها دخالت زیادی در کار آهنگسازها می کنند و بیشتر سلیقه خود را اعمال می کنند در حالی که در خارج از ایران اینگونه نیست. در این نمایش من شناس همکاری با آقای ملکی را داشتم، ایشان سلیقه خود را مطرح می کنند ولی کاملاً به من اعتماد می کنند. کارگردان ها باید بیذیرند که گاهی اوقات سلیقه آنها بر خلاف قوانین و قواعد این سبک موسیقی سینماتیک است. مسلماً در نهایت همه عوامل یک نمایش از طرح لباس، دکور، موسیقی، نور و بازیگران باید به سلیقه کارگردان عمل کنند اما گاهی این سلیقه به اثر می زند. اگر سلیقه کارگردان قاعده مند باشد من دانش خود را در اختیار سلیقه ایشان قرار می دهم و به صورت قاعده مند جلو می روم.

**با توجه به اینکه گفتید رشته تحصیلی در رابطه با آهنگسازی سینما تئاتر نداریم شما به عنوان یک موزیسین چطور در این زمینه خود را رشد دادید و به موزیسین های جوان چه پیشنهادی دارید؟**

من در ابتدا هم در زمینه کارگردانی و هم در زمینه موسیقی فعالیت می کردم. علاوه بر دوره هایی که به صورت آنلاین گذراندم بخاطر ضعفی که از نبود این رشته حس می کردم در کلاس های کارگردانی شرکت کردم تا با اصول کارگردانی تئاتر، نور، رنگ و... آشنا شوم و خب موسیقی هم کار می کردم و از تلفیق این دو امر وز می توانم به ساخت موسیقی و فعالیت در عرصه موسیقی تئاتر بپردازم. موسیقی که من اجرا می کنم موسیقی ملودیک نیست بلکه افکت سازی می کنم. یکی از الزامات موسیقی تئاتر همین است که باید فضا سازی کنید. شما آمبیانس محیط را می سازید برای اینکه به اثر حجم بدهید. اگر